

یادداشت

هشدار بموقع و همراهی به‌جا

یک وجه دیگر ارزیابی بر روی هزینه-فایده فناوری هسته‌ای، بحث درباره مزایای فناوریانه و اقتصادی غنی‌سازی است که متأسفانه بسیاری از دویسان در جبهه اصلاحات در این زمینه ورود نمی‌کردند و من تقریباً در این مورد تنها بودم. از اتفاق، بهراد نبوی جزء معدود کسانی بود که با من مهدلی بیشتری داشت و به سایر دوستان می‌گفت شیرزاد حرف‌های درستی زده است. با همه این اوصاف، تصور می‌کنم قضاوت درباره عملکرد یک کنشگر سیاسی آن‌قدرها اهمیت ندارد؛ مهم درپیش‌گرفتن خط‌مشی‌های صحیح است. ۳- مسئله مهم آن است که به هر حال، درست یا غلط، کشور بابت تولید کالایی سیاسی به نام غنی‌سازی، هزینه‌های هنگفتی کرده است؛ بسیار بسیار هنگفت. حال مسئله این است که چه کنیم با این کالایی که هزینه کلانی صرف آن شده است و کشورهای مخالف ایران می‌خواهند به نوعی مسئله را به نفع خودشان مهار کنند؟ حرف اساسی من این است‌که فعالان سیاسی کشور در این روز و روزگار که به هر حال این هزینه‌ها انجام شده، در یک صف واحد از منافع کشور حمایت کرده و موضع مذاکره‌کنندگان ما را در سر میز مذاکره تقویت کنند. تجربه برجام نشان می‌دهد که می‌توان با استفاده مناسب از توانمندی‌هایی کشور در همین مسئله غنی‌سازی چانه‌زنی مؤثری را با غربی‌ها به انجام رسانید. متأسفانه جبهه اصلاحات با بیانیه خود و توصیه پیشاپیش به اعلام آمادگی برای تعلیق غنی‌سازی، در جهت کندنکردن تیغ ایران در فرایند مذاکرات عمل کرد. بگذریم.

حالا امثال آقای حشمتی و صادرکنندگان بیانیه بفرمایند اگر مسئله تعلیق غنی‌سازی را پیشاپیش حل‌شده اعلام کنیم، با چه ابزار قدرتی با آمریکایی‌ها چانه‌زنی کنیم؟ بگوییم به شما نفت نمی‌فروشیم؟ بگوییم صادرات‌مان را متوقف می‌کنیم؟ بگوییم به واردات از آمریکا تعرفه می‌بندیم؟ بگوییم پایگاه‌هایان را تعطیل می‌کنیم؟ چه بگوییم؟ ما به غیر از مقوله غنی‌سازی، در کوتاه‌مدت چه ابزار دیگری برای چانه‌زنی داریم؟

آقای حشمتی می‌گوید «امروز هیچ چیز روی میز مذاکره وجود ندارد و با یک حمله تمام آن ۱۰۰ تن مواد هسته‌ای غنی‌شده، به‌علاوه تجهیزاتی مانند سانتریفیوژها و کل تأسیسات آن در زیر خاک مدفون مانده است». اولاً ۱۰۰ تن عدد پرتی است که حکایت از فقدان اطلاعات ایشان دارد. ثانیاً علی‌رغم آنکه ترامپ ادعا داشت که همه چیز تمام شده است، فشار آژانس ا اروپایی‌ها برای تداوم بازرسی‌ها نشان می‌دهد همه چیز تمام نشده است. ایران به دلیل دستیابی به دانش فنی غنی‌سازی می‌تواند تمام مسیر ۳۰ساله گذشته را در مدت کوتاهی طی کند. البته من توصیه به این کار نمی‌کنم، اما معتقدم باید از این توانمندی که به هر حال حاصل شده و بابت آن هزینه‌های زیادی هم پرداخت شده است، نهایت استفاده را بر سر میز مذاکره برد. داوود حشمتی معتقد است مخالفت من با برنامه هسته‌ای در مجلس ششم کار نابجایی بوده است و می‌گوید «اگر ایران آن روز فرصت ساخت سلاح هسته‌ای را داشت، ساخت آن به ضرر کشور نبود. برای همین با آن نطق مخالفم و مخالفت با آن را در آن زمان ناجی می‌دانم. در عین حال، وقتی نظرات‌ها شدید و هزینه تولید آن‌قدر افزایش یافته که امنیت کشور را متاثر از خود کرده، نباید از آن دفاع کرد» (مشکلات نگارشی متن از بنده نیست). آقای حشمتی یادش رفته آن زمان عمده اصلاح‌طلبان در مجلس ششم و احزاب فعال اصلاح‌طلب مشابه بنده، با یافشاری بر روی برنامه هسته‌ای به قیمت صدور قطع‌نامه‌های شورای امنیت علیه ایران مخالفت داشتند. اولاً ایشان از کجا مطمئن است ایران در آن زمان فرصت ساخت سلاح هسته‌ای را داشته است؟ هرچند او جمله‌اش را با «اگر» شروع می‌کند، اما همان اگر را مبنای نابجاندانستن مخالفت من قرار داده است! ثانیاً آقای حشمتی باید به صراحت مجموعه اصلاح‌طلبان آن دوران را که بخشی از آنها بیانیه‌دهندگان فعلی هستد، مورد خطاب و عتاب قرار دهد، نه‌فقط احمد شیرزاد را.

۵- آقای حشمتی از اینکه من نوشته‌ام برنامه هسته‌ای به نوعی غرور ملی تبدیل شده، گله‌مند است و با لحنی غیردوستانه می‌گوید «آیا احمد شیرزاد حاضر است همین جمله را در متروی تهران فریاد بزند و بازخورد آن را به اطلاع ما برساند؟» اولاً من در همان یادداشت‌ا ۱۶ شهریور درباره غرور ملی حالتی‌شده نوشته‌ام: «من شخصا دوست داشتم این اتفاق نمی‌افتاد». کارنامه نوشته‌های من هم نشان می‌دهد که از بزرگ‌نمایی دستاوردهای هسته‌ای همیشه گله‌مند بوده و هستم. اما علی‌رغم مبنی بنده و آقای حشمتی، غرور ملی در رابطه با برنامه هسته‌ای واقعیتی انکارناپذیر است. برای سنجش این امر نمی‌توان در مترو فریاد زد؛ راه عملی داستان مراجعه به پیمایش‌های اجتماعی است که در مجموع مؤید عرض بنده است. اما بگذارید موضوع را از آن سو مطرح کنم. دوستانی که فکر می‌کنند مردم با آنها هم‌نظرند، می‌توانند تصور کنند که اگر مجوز راهپیمایی علیه فناوری هسته‌ای به آنها داده می‌شد، تا چه حد مورد حمایت توده‌های مردم قرار می‌گرفت؟ همین اکنون بیانیه جبهه اصلاحات تا چه اندازه در میان طبقات مردم طنین داشته و چه موج مثنی را ایجاد کرده است؟ به گمانم اگر نقد‌های صورت‌گرفته روی آن نبود، آب از آب تکان نمی‌خورد. البته ایسن را هم بگویم که با توجه به هزینه‌های انجام‌شده، به‌طور طبیعی و به مرور زمان سؤال درباره دستاوردهای غنی‌سازی در بین مردم بیشتر شکل خواهد گرفت، ولی غرور ملی که طی ربع‌قرن پدید آمده است، به‌سرعت برطرف‌شدنی نیست.

خلاصه کنم؛ درست برعکس قضاوت آقای حشمتی، زمان هشدار نسبت به هزینه‌ها و مشکلات برنامه هسته‌ای همان سال‌های ۸۲ و ۸۳ نبود که قبل از صدور قطع‌نامه‌های شورای امنیت سازمان ملل، من و دوستان اصلاح‌طلب در مجلس ششم تا جایی که ممکن بود به وظیفه تاریخی خود عمل کردیم. بعد از ۲۴ سال مسیر حوادث و برنامه‌ریزی‌ها به سمتی پیش رفته است که اکنون در آن هستیم. حالا وقت تسویه‌حساب‌ها و کلاه‌های گذشته نیست. اکنون باید با توجه به «وضع اکنون»، نسبت به اتخاذ بهترین تصمیم دولتمردان را یاری کرد. زبان شصامت‌گشودن دیگر سودی ندارد و تنها سوءاستفاده دشمنان از آمکشم‌ها را در پی دارد. باید با زبان سخن گفت که من سخنان شش‌فغانه و دلسوزانه شنیده ش‌شوند. اگر آتش کینه و دشمنی صهیونیست‌های جنایتکار و حامیان آمریکایی آنها دامن ما را بگیرد، هیچ‌کس ادعای «ما که گفتیم» را از ما نخواهد خرد! مهم افزودن قدرت تاب‌آوری جامعه بزرگ ایران و کاستن از دامنه بحران است. برای محکوم‌کردن آنها که در گذشته اشتباهاتی داشتند، قرن‌ها وقت داریم؛ مهم فرونشاندن آتش است. بر این اساس، این بنده کمترین سهم به اعتراض و مخالفت بموقع خودم در گذشته افتخار می‌کنم و هم متوجه‌ام اگر در این زمان بتوانم با همکاری و هم‌نفسی بموقع، دولت منتخب خودم و دوستانم را یاری دهم.

لاریجانی در ریاض و نقطه عطفی در مناسبات ایران و عربستان

این روند نشان‌دهنده آمادگی منطقه برای کاهش تنش‌ها و ایجاد بستر مناسب برای گفت‌وگوهای سازنده است که بدون شک بر روابط دوجانبه تهران و ریاض و امنیت خلیج فارس نیز تأثیر مثبت خواهد داشت. سفر علی لاریجانی به ریاض و گفت‌وگوهای او با رهبران عربستانی، نقطه عطفی است مهم در تحولات منطقه‌ای که می‌تواند در بازسازی اعتماد متقابل و همکاری‌های راهبردی دو کشور نقش کلیدی ایفا کند. در حالی که فشارهای بین‌المللی و اظهارات دولت آمریکا پیچیدگی‌هایی را بر روند مذاکرات ایران تحمیل کرده است، اما تحولات دیپلماتیک و امنیتی منطقه‌ای، از جمله نقش میانجیگری کشورهای منطقه، افق‌های تازه‌ای برای کاهش تنش‌ها و تحکیم ثبات خاورمیانه گشوده است. با وجود چالش‌ها و نااطمینانی‌های موجود، این سفر می‌تواند زمینه‌ساز دوره‌ای نوین در مناسبات تهران و ریاض باشد که پیامدهای آن فراتر از مرزهای دو کشور، امنیت و ثبات کل منطقه را تحت تأثیر قرار خواهد داد.

ادامه از صفحه ۲

مهدی باززرگان: آن‌طور که ایسنا از قول خبرگزاری دولتی تاس و به نقل از کاخ کرملین گزارش داده است، رزمایش «زپاد-۲۰۲۵» با مشارکت ایران، هند، بلاروس، بنگلادش و نیروهایی از یورکینافاسو، کنگو و مالی برگزار شد. مرحله عملی رزمایش یادشده از ۱۲ تا ۱۶ سپتامبر در میدان‌های آموزشی در روسیه و بلاروس برگزار شد. این رزمایش با حضور ۲۵ هیئت خارجی، ۳۳۳ هوایما، ۲۵۰ کشتی و صد هزار نیروی نظامی در ۲۱ میدان آموزشی روسیه و بلاروس انجام گرفت. هدف اصلی، دفاع از دولت اتحادیه روسیه و بلاروس در برابر هرگونه تهاجم عنوان شده است. همه تجهیزات به‌کاررفته مدرن بوده و براساس تجربیات «عملیات نظامی ویژه» طراحی شده‌اند.

رزمایش «زپاد-۲۰۲۵» روسیه و بلاروس در شرایطی برگزار می‌شود که از یک سو کمتر از ۱۰ روز به مهلت احتمالی بازگشت تحریم‌ها علیه ایران باقی مانده و در سوی دیگر هم جنگ اوکراین در حال کشیده‌شدن به جبهه‌های دیگر از لهستان تا فنلاند است. در چنین شرایطی، حضور ایران در این رزمایش، از دید بسیاری از ناظران، در نقطه تلاقی حساس میان پرونده هسته‌ای، معادلات ژئوپلیتیکی و فشارهای دیپلماتیک غرب قرار دارد. اتحادیه اروپا و برخی دولت‌های غربی، تهران را به دلیل روابط گسترده با مسکو و اتهام حمایت از روسیه در جنگ اوکراین، زیر ذره‌بین قرار داده‌اند؛ هرچند این اتهامات از سوی ایران بارها رد شده است.

با این حال، واقعیت این است که روسیه در سال‌های اخیر بارها از کارت ایران در معادلات خود با غرب بهره‌برداری کرده و همواره منافع خود را در اولویت قرار داده است. از جنگ اوکراین گرفته تا پرونده هسته‌ای، مسکو بیشتر به دنبال تثبیت جایگاه ژئوپلیتیکی خویش بوده و در بزنگاه‌های حساس، منافع ایران را با ملاحظات خود کره زده است. همین امر باعث شده که برخی تحلیلگران در تهران، حضور در رزمایش‌های مشترک را نه از منظر پیروی از سیاست‌های مسکو، بلکه در قالب تقویت موازنه تهدید و ایجاد بازدارندگی منطقه‌ای تحلیل کنند. درعین‌حال پیوستن هند و برخی کشورهای آسیایی و آفریقایی به این رزمایش، حساسیت‌های جدیدی را در غرب برانگیخته است؛ به‌ویژه در بحبوحه مذاکرات تجاری اروپا با دهلی‌نو. این حضور چندلایه، پیام‌های سیاسی متعددی دارد و می‌تواند موازنه‌های جدیدی را در فضای دیپلماتیک و امنیتی رقم بزند؛ موازنه‌هایی که ابعاد آن در هفته‌های آینده روشن‌تر خواهد شد.

رزمایش «زپاد» در میانه بن بست هسته‌ای؛ سیگنال‌های متناقض به غرب

حضور ایران در رزمایش مشترک «زپاد-۲۰۲۵» در شرایطی صورت گرفت که تنها چند روز تا موعد احتمالی بازگشت تحریم‌ها علیه ایران باقی مانده است. تهران، پس از ماه‌ها مذاکره برچالش و تجربه تجاوز اسرائیل و ایالات متحده، هنوز در بن بست دیپلماتیک قرار دارد و اروپا و آمریکا، در پرونده هسته‌ای نه‌تنها بر شفافیت برنامه هسته‌ای ایران تأکید می‌کنند، بلکه موضوعات غیرهسته‌ای ازجمله توان موشکی، سیاست‌های منطقه‌ای و حتی روابط تهران-مسکو را به آن پیوند زده‌اند. در این میان، غربی‌ها ایران را متهم به حمایت از روسیه در جنگ اوکراین می‌کنند؛ اتهامی که تهران بارها رد کرده اما اتحادیه اروپا آن را به‌عنوان ابزاری برای فشار سیاسی و دیپلماتیک به کار می‌گیرد. حضور ایران در رزمایش «زپاد» با مشارکت روسیه و بلاروس، از نگاه تحلیلگران غربی، به‌نوعی می‌تواند تأیید ضمنی پیوند تهران با محور مسکو تلقی شود. با این حال، تهران تأکید دارد که رزمایش‌ها صرفاً در چارچوب همکاری‌های دفاعی متعارف بوده و هدف آن تقویت توان بازدارندگی است، نه ورود به محوربندی‌های نظامی. درواقع تهران این باور وجود دارد که غربی‌ها، با پیونددادن موضوعات غیرهسته‌ای به مذاکرات هسته‌ای، عملاً برجام را از مسیر اولیه خود منحرف کرده و با طرح شروط جدید، به دنبال فشار حداکثری هستند. در چنین فضایی، مشارکت در رزمایش‌های چندملیتی، از نگاه مقامات ایرانی، می‌تواند پیام روشنی درباره توازن‌سازی تهدیدها و جلوگیری از انزوای ژئوپلیتیکی ایران باشد؛ پیامی که نه لزوماً به معنای هم‌پیمانی کامل با مسکو، بلکه تلاشی برای تقویت قدرت بازدارندگی در برابر سناریوهای احتمالی آینده تلقی می‌شود.

از ناکامی دیپلماسی ترامپ تا هراس غرب از گسترش جنگ اوکراین

یکی از ابعاد درخور توجه رزمایش زپاد-۲۰۲۵، هم‌زمانی آن با نگرانی‌های غرب از

«شرق» ادعای رسانه دولتی روس درباره حضور ایران در رزمایش «زپاد» روسیه و بلاروس را بررسی می‌کند

تهران میان ماشه و رزمایش

به تلافیا و افزایش قدرت چانه‌زنی ایران در برابر هر دو بلوک شرق و غرب باشد. به بیان دیگر، تهران با این حضور نظامی، ردصدد است که ضمن حفظ موازنه تهدید در برابر غرب، پیام روشنی نیز به مسکو بفرستد: ایران، بازیگری مستقل است و اجازه نخواهد داد که به ابزار یک‌جانبه در معادلات قدرت تبدیل شود. این راهبرد، اگر با دیپلماسی فعال همراه شود، می‌تواند حتی در شرایط بن‌بست هسته‌ای، مانع از شکل‌گیری اجماع کامل علیه تهران شود.

اسفندیار خدایی: شرکت ایران در رزمایش روسیه اقدامی برای بازدارندگی و نمایش قدرت است، نه دعوت به جنگ

با توجه به نکات یادشده، اسفندیار خدایی در کپ‌وگفتش با «شرق» بر این باور است که «جمهوری اسلامی در سال‌های اخیر تحت فشارهای گسترده اروپا و آمریکا، به‌ویژه پس از جنگ اوکراین، روابط خارجی خود را بر مبنای نوعی موازنه تهدید و حتی موازنه وحشت بازتعریف کرده است». به گفته این

اسفندیار خدایی

کارشناس حوزه سیاست خارجی، «تهران در دوره پایانی دولت بایدن در آستانه توافق هسته‌ای بود، اما تغییر دولت در تهران و آغاز جنگ اوکراین همه چیز را به تعویق انداخت. نزدیکی دیپلماتیک تهران-مسکو و نیز اتهاماتی نظیر ارسال پهپادها و تجهیزات نظامی ایرانی به روسیه در جریان جنگ اوکراین، روابط با اروپا را وارد مرحله‌ای از خصومت بی‌سابقه کرد». با چنین برداشتی، تحلیلگر حوزه سیاست خارجی توضیح می‌دهد: «تا پیش از این، نگاه اروپا به ایران بیشتر از زاویه پرونده هسته‌ای و مسائل منطقه‌ای بود، اما اکنون ایران در ذهن سیاست‌مداران اروپایی به یک تهدید امنیتی مستقیم بدل شده است». خدایی می‌افزاید: «فعال‌شدن مکانیسم ماشه و فشارهای آمریکا با اروپا، تهران را به سمت استفاده هرچه بیشتر از «کارت شرق» سوق داده است. در این شرایط، نزدیکی به روسیه و برگزاری رزمایش‌های مشترک، بیش از آنکه نشانه ورود به یک ائتلاف نظامی باشد، هشدارى است به اروپا و آمریکا که فعال‌سازی این مکانیسم (ماشه) و بازگشت تحریم‌های شورای امنیت می‌تواند هزینه‌های امنیتی و ژئوپلیتیکی سنگینی برای آنها داشته باشد و معادلات را وارد نقطه غیرقابل مدیریت کند». این مدرس داشگاه تأکید دارد: «تهران به‌خوبی می‌داند حضور در رزمایش کنار مرزهای ناتو ممکن است پیامدهایی جدی به دنبال داشته باشد، اما از نگاه تهران این اقدامی برای بازدارندگی و نمایش قدرت است، نه دعوت به جنگ». مفسر مسائل بین‌الملل در تحلیل تحولات اخیر، نگاهی آسیب‌شناسانه دارد و یادآوری می‌کند: «ایران در آغاز جنگ اوکراین تصور می‌کرد می‌تواند از شرایط جهانی برای کاهش فشار تحریم‌ها و افزایش درآمدهای نفتی بهره ببرد، اما این محاسبه درست از آب درنیامد؛ چون در جریان روند تحولات جنگ اوکراین، نه‌تنها توافق هسته‌ای احیا نشد، بلکه نزدیکی بیش از حد به مسکو منافع مستقلی برای تهران نداشت». خدایی به نمونه جنگ ۱۲روزه اسرائیل و ایران اشاره کرده و می‌گوید: «در همان روزهای نخست تجاوز به کشور، ولادیمیر پوتین عملاً هیچ حمایتی از ایران نکرد و این نشانه‌ای روشن از آن است که اتحاد راهبردی ادعایی میان تهران و مسکو بیشتر توهمی سیاسی بود تا واقعیتی ژئوپلیتیک».

به باور کارشناس حوزه سیاست خارجی، «امروز ایران در شرایطی پیچیده قرار دارد؛ از یک سو احتمال درگیری نظامی با آمریکا یا اسرائیل بعد از فعال‌شدن مکانیسم ماشه وجود دارد و از سوی دیگر، اروپا نیز با مبنای وضعی تندتر به بعد آمده است. در چنین فضایی، حضور در رزمایش‌های نظامی پیامی هشدارآمیز به غرب تلقی می‌شود که اگر فشارها ادامه یابد، تهران می‌تواند با نزدیکی بیشتر به روسیه، معادلات امنیتی اروپا را به چالش بکشد». با این حال، اسفندیار خدایی اذعان دارد «این رویکرد الزاماً تضمینی برای بهبود وضعیت ایران نیست». به باور او، «اتخاذ این سیاست می‌تواند اروپا را وادار به بازنگری در برخی محاسبات کند، اما در قبال آمریکا و اسرائیل بعید است تغییری اساسی ایجاد شود». این تحلیلگر در پایان تأکید می‌کند: «شرکت در رزمایش به‌هیچ‌وجه به معنای تمایل ایران به ورود به جنگ‌های بزرگ نیست، بلکه تلاشی است برای آنکه غرب بداند فعال‌سازی مکانیسم ماشه ممکن است هزینه‌هایی فراتر از فشارهای اقتصادی برایش به همراه داشته باشد».

سخنگوی وزارت خارجه:

اروپا درباره ایران استقلال داشته باشد

او خاطرنشان کرد: «این موضوع در دستور کار وزارت امور خارجه قرار دارد و هر زمان که نهادهای ذی‌ربط تصمیم نهایی را اتخاذ کنند، اطلاع‌رسانی خواهد شد».

ظاهرا اروپایی‌ها آژانس را هم قبول ندارند

سخنگوی وزارت امور خارجه ایران همچنین در پاسخ به سوألی مبنی بر اینکه «با توجه به توافق ایران و آژانس، انتظار ایران از کشورهای اروپایی چیست، با توجه به اینکه امروز بعدازظهر نیز قرار است وزیر خارجه با وزرای خارجه سه کشور اروپایی به صورت تلفنی رایزنی کند»، گفت: ما با آژانس به یک شیوه‌نامه و روش برای ایفای تعهدات پادمانی در شرایط جدید دست پیدا کرده‌ایم. این یک تفاهم یک‌جانبه نبوده و مورد پذیرش و رضایت مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نیز نبوده است. او ادامه داد: اینکه الان برخی از کشورهای اروپایی شروع کرده‌اند به نق‌زدن و مطرح‌کردن این‌گونه اظهارات مبنی بر اینکه این توافق کفایت نمی‌کند، نشان می‌دهد که ظاهراً آنها آژانس را هم قبول ندارند. امیدواریم در جریان این‌ گفت‌وگوها و رایزنی‌هایی که امروز و روزهای آینده با کشورهای اروپایی انجام خواهد شد، همه به این جمع‌بندی برسند که تشدید تنش و سوءاستفاده از این وضعیت به نفع هیچ‌کس نخواهد بود.

درباره برقراری روابط با سوریه عجله‌ای نداریم

بقایی در پاسخ به سوألاتی در مورد اظهارات حاکم جدید سوریه درباره روابط با ایران گفت: معتقدیم قطع روابط بین دو کشور اسلامی با سابقه دوستی حتماً ایست. ما در رابطه با سوریه معتقدیم سرنوشت سوریه باید از سوی مردم سوریه و با در نظر گرفتن حقوق همه اقوام و اقشار تشکیل‌دهنده جامعه سوریه تعیین شود. او تأکید کرد: حملات رژیم صهیونیستی علیه سوریه را قاطعانه محکوم کردیم و معتقدیم که تمامیت سوزمینی و یکپارچگی سوریه باید حفظ شود. سخنگوی وزارت خارجه ایران گفت: خودمان را دوست مردم سوریه می‌دانیم و درباره برقراری روابط با سوریه عجله‌ای نداریم. هر زمان که تشخیص بدهند دوستی با ایران به نفع مصالح مردم این کشور است، حتماً ما هم متقابلاً آمادگی خواهیم داشت.

انکلس در شکل‌گیری روند نسل‌کشی در فلسطین نقش داشته است

بقایی در پاسخ به پرسشی درباره اقدام دولت انگلیس مبنی بر اینکه شواهد کافی درباره نسل‌کشی در غزه وجود ندارد، گفت:

ظاهرا این یک سیاست تصمیم‌گرفته‌شده در حکمرانی انگلیس است که با وجود شواهد، نسل‌کشی را کتمان کنند. چندی پیش هم وزیر خارجه وقت انگلیس گفت برای وقوع نسل‌کشی لازم است میلیون‌ها انسان کشته شوند، اما از لحاظ حقوقی مطلقاً چنین نیست. او افزود: گزارش کمیسیون تحقیق حقوق بشر سازمان ملل با قطعیت موضوع نسل‌کشی را اعلام کرده است. در این زمینه نیازی به بحث حقوقی نیست و این یک امر آشکار است. سخنگوی وزارت خارجه ایران در ادامه گفت: کتمان وقوع نسل‌کشی به معنای همدستی در ارتکاب آن است و این اعتقاد وجود دارد که نسل‌کشی قبل از ۱۹۴۸ و در زمان سیطره انگلیس به‌عنوان دولت

استعماری در سرزمین تاریخی انگلیس آغاز شد و انگلیس مستقیماً در شکل‌گیری آن نقش داشته است. انگلیس باید به‌جای کتمان حقایق، در جلوگیری از نسل‌کشی اقدام سازنده انجام دهد. او افزود: گزارش کمیسیون تحقیق حقوق بشر سازمان ملل با قطعیت موضوع نسل‌کشی را اعلام کرده است. در این زمینه نیازی به بحث حقوقی نیست و این یک امر آشکار است. سخنگوی وزارت خارجه ایران در ادامه گفت: کتمان وقوع نسل‌کشی به معنای همدستی در ارتکاب آن است و این اعتقاد وجود دارد که نسل‌کشی قبل از ۱۹۴۸ و در زمان سیطره انگلیس به‌عنوان دولت

استعماری در سرزمین تاریخی انگلیس آغاز شد و انگلیس مستقیماً در شکل‌گیری آن نقش داشته است. انگلیس باید به‌جای کتمان حقایق، در جلوگیری از نسل‌کشی اقدام سازنده انجام دهد. او افزود: گزارش کمیسیون تحقیق حقوق بشر سازمان ملل با قطعیت موضوع نسل‌کشی را اعلام کرده است. در این زمینه نیازی به بحث حقوقی نیست و این یک امر آشکار است. سخنگوی وزارت خارجه ایران در ادامه گفت: کتمان وقوع نسل‌کشی به معنای همدستی در ارتکاب آن است و این اعتقاد وجود دارد که نسل‌کشی قبل از ۱۹۴۸ و در زمان سیطره انگلیس به‌عنوان دولت

پیشنهاد عراق به ایران را به فال نیک می‌گیریم
هو همچنین در پاسخ به سوأل دیگر ایسنا مبنی بر اینکه وزیر خارجه عراق در دیدار با سیدعباس عراقچی، وزیر خارجه ایران، در حاشیه نشست دوحه پیشنهاد برگزاری نشست مشترک کشورهای شورای همکاری خلیج فارس با عراق و ایران در حاشیه مجمع عمومی سازمان ملل را داده است، نظر ایران درباره این پیشنهاد چیست؟ گفت: بله، چنین پیشنهادی مطرح شده است و ما از هر ابتکار و طرحی که موجب نزدیکی کشورهای منطقه و ایجاد تفاهم بین کشورهای منطقه شود، استقبال می‌کنیم. چنین پیشنهادی را به فال نیک می‌گیریم و امیدواریم این نشست برگزار شود.